

از شکستن حصر آبادان تا روزهای دوری از خانواده

سر تیپ دوم جلال علوی، از فرماندهان لشکر ۷۷ پیروز خراسان، از سال‌های حضور در دفاع مقدس، عملیات‌های جنگ، روزهای دشوار جبهه و دوری از خانواده می‌گوید

شایان اله آبادی | روزنامه‌نگار



۳۱ شهریورماه، سالروز تهاجم همه‌جانبه ارتش بعث عراق و آغاز حماسه‌ای هشت‌ساله است که در آن، فرزندان این مرزوبوم با دست خالی اما اراده‌ای پولادین در برابر ائتلاف جهانی حامیان صدام قد علم کردند تا میادادری‌های خاک ایران به یغما برود. در این سال‌ها، ارتش جمهوری اسلامی ایران یکی از ارکان اصلی دفاع از مرزهای کشور بود و افسران و سربازان بسیاری، سال‌های جوانی خود را در مناطق عملیاتی سپری کردند. سر تیپ دوم جلال علوی، از نیروهای لشکر ۷۷ پیروز خراسان، یکی از آنان است؛ افسری که خدمت خود را پیش از آغاز جنگ آغاز کرد و در طول سال‌های دفاع مقدس، مسئولیت‌های مختلفی بر عهده داشت و جانباز هم شده است. او در گفت‌وگو با ما از نخستین روزهای جنگ، حضور در مناطق عملیاتی، عملیات شکستن حصر آبادان، دشواری‌های جنگ نابرابر، خاطرات شخصی از جبهه و مهم‌تر از همه، نقش خانواده‌هایی می‌گوید که پشت جبهه، سال‌های دوری و نگرانی را تحمل کردند.



از دانشکده افسری تا فرماندهی پشتیبانی لشکر ۷۷

سر تیپ دوم علوی راجع به شروع خدمتش در ارتش می‌گوید: «بنده سال ۱۳۵۳ وارد دانشگاه افسری شدم و در شروع جنگ تحصیلی تازه ستوان یک شده بودم. در لشکر ۷۷ پیروز خراسان، خدمتم را از فرماندهی دسته که شروع خدمت یک ستوان تازه‌است، آغاز کردم و تا پنج سال آخر خدمتم که فرمانده پشتیبانی لشکر ۷۷ بودم،



پیام غیرمنتظره و مسرت‌بخش در سنگر حسینی

یکی از خاطرات شخصی سر تیپ علوی به سال ۱۳۶۱ و حضور او در منطقه خرمشهر بازمی‌گردد؛ در سال ۶۱ لشکر ما در منطقه خرمشهر مستقر بود. من در ایستگاه حسینیه بودم که تقریباً چهل کیلومتر با خرمشهر فاصله داشت. یک‌روز برای ملاقات با فرمانده گردانم و تبادل نظر و مأموریت‌ها به خرمشهر که ایشان را ببینم. ایشان رفته بودند باز دید خط. فرصت شد رنگی به خانواده‌م‌زم. تلفن را برداشتم و رنگ‌دم مشهد. گفتند که تبریک می‌گوییم؛ دختر خانت به دنیا آمد. من از یک طرف خوشحال شدم، خدا نعمتی به این خوبی به من داده؛ اما از طرفی ناراحت که من الان بایستی آنجا باشم و بیکر به حسینیه بر گشتم. وقتی فرمانده گردان برگشت بچه‌ها به او گفتند که حامل خوب نیست، سه، چهار ساعت از این موضوع گذشته بود که دیدم در سنگر می‌زنند. به سرباز گفته بودم اگر کسی با من کار داشت بگوید رفته خط جلو و نیست اما گفت که ماشین فرمانده یکی پیام برایت آورده است. یک پاکت دادند به من و در پاکت به دنیا آمدن دخترم را تبریک گفته بودند و یک ممر خصوصی پنج‌روزه و یک بلیت هواپیما که من فر دابه مشهد بروم.



محاصره آبادان

و جزر و مدهای سرنوشت‌ساز

این بازنشسته ارتش راجع به عملیات‌هایی که در دوران خدمت و دفاع مقدس داشته می‌گوید: «ما موریت‌های ما از سال ۵۷ به این طرف آغاز شده بود. اول لشکر ما با عنوان گردان‌های رزمی یا گروه‌های رزمی به منطقه غرب و شمال غرب اعزام شد. من خودم مأموریت غرب رفتم و قبل از این که جنگ شروع بشود در شهر بانه بودم. تقریباً می‌شود گفت وقتی جنگ شروع شد، یگان‌های ما از غرب به جنوب اعزام شدند. بعد رفتم آنجا و جنگ شروع شد. یگان ما از مشهد که حرکت کرد، با قطار رفتم و در ماهشهر پیاده‌شدم. یک مقداری از یگان‌های ما حرکت کردند به سمت آبادان که آن موقع آبادان محاصره بود. یک جاده خیلی نامنظمی بود و بایستی بیشتر کارهایمان را از طریق لنج انجام می‌دادیم. دور می‌زدیم و از پشت آبادان، از قفقاز وارد آبادان می‌شدیم. گاهی دوتا جزو مد در این مدت طی می‌کردیم. یک دفعه با یک کشتی لنجی داشتیم می‌رفتم، آب می‌رفت پایین و در گل دو، سه ساعت می‌ماندیم، باز آب می‌آمد بالا و حرکت می‌کردیم سمت آبادان. گاهی هم هلیکوپتر بود که مأموریت خاص را با هلیکوپتر می‌رفتیم و می‌آمدیم.»



مأموریتی برای شکستن حصر آبادان

سر تیپ علوی درباره عملیات شکست حصر آبادان و تغییر نام لشکر می‌گوید: «تقریباً می‌شود گفت که بیشتر محیط آبادان محاصره بود تا این که دستور شکستن حصر ابلاغ شد. لشکر ما افتخار داشت که این مأموریت را انجام بدهد. وقتی که توانستیم این کار را انجام بدهیم، طرح‌ریزی این عملیات آن قدر دقیق بود که من شنیدم الان در خیلی از دانشگاه‌های نظامی خارج از کشور این عملیات تدریس می‌شود. همان طور که ما در دانشگاه افسری در درس جنگ، تمام عملیات‌های ناپلئون، رومل، جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم را بررسی کردیم، نقاط ضعف، نقاط مثبت، علت شکست و علت پیروزی را بررسی کردیم، این هم الان آنجا عمل می‌شود. بعد از انجام این عملیات، لشکر ما لقب پیروز را گرفت و اسم لشکر ۷۷ عوض شد به نام لشکر ۷۷ پیروز ثامن الائمه خراسان.»



غرور ایرانیان کار دست صدام داد

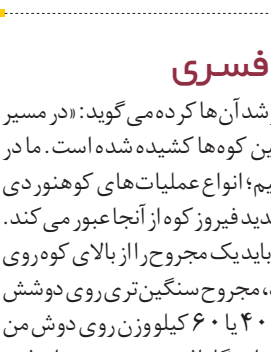
آقای علوی درباره زمینه‌های پیش از آغاز جنگ و اختلافات ایران و عراق هم می‌گوید: «البته این اختلافات که برمی‌گشت به تقریباً ۱۵، ۲۰ سال قبل از این جنگ، یک مقداری از آن رفع شد و با قدرت‌نمایی که ارتش در آن موقع داشت، وادار شدند که این مرز ارون‌رو در اقبال کنند که ما می‌گفتیم عمیق‌ترین جای آن، مرز است. مجبور شدند بپذیرند و قرار دادی هم نوشته شد که بعداً به قرارداد ۱۹۷۵ معروف شد. گاهی تلنگرهایی به ما می‌زدند و درگیری‌های کوچکی انجام می‌شد تا این که انقلاب شد. وقتی انقلاب شد، خود عراقی‌ها و کشور‌های دیگری که با انقلاب ابر قدرت‌ها موافق نبودند، و سوسه کردند که الان دیگر وقتش است؛ که آن عده‌ای که نه دلت هست را خالی کنی... صدام تا آن موقع معاون نخست‌وزیر بود و بعد در آن موقع دیگر نفر اول شده بود و می‌توانست با این کار و پیروزی احتمالی، در بین اعراب برای خودش جایگاهی درست بکند. ولی خب آن‌ها غرور ما و آن باور و ایمانی که ما ته دل‌مان داشتیم به اضافه فاکتور شهادت را در مانا دیده گرفته بودند.»

سهمیه ۲۰ گلوله در برابر آتش سنگین دشمن

سر تیپ علوی درباره مفهوم جنگ نابرابر، مثالی از روزهای حضور خود در جبهه می‌آورد: «جنگ بین ما و عراق جنگی نابرابر بود. در یک برهه‌ای یاد هست که با دوستان توپچی که افسر توپخانه بودند، صحبت می‌کردم و آن‌ها می‌گفتند ما سهمیه داریم، چون ما محدودیت داشتیم. عراقی که از تمام دنیا حمایت می‌شد، ۲۰۰ تا به سر ما گلوله می‌ریخت، ولی ما ۲۰ تا سهمیه داشتیم، جواب‌شان را بدهیم. این نمونه کوچکی از جنگ نابرابر است. یا اینکه الان در صحبت‌ها گفته می‌شود که ما حتی سیم خار دار نداشتیم. خدا را شکر جوانان ما با حمایت‌های افرادر رأس مملکت، تفکرات سازنده‌ای داشتند و با امکانات کم، کارهای بزرگی انجام دادند. از نابرابری در جنگ خاطره دیگری هم دارم، به‌طور مثال ما سامانه مناسبی برای مقابله با جنگنده‌های دشمن نداشتیم و برای همین ساعات فعالیت ما بسیار محدود می‌شد.»

خدمی حرم؛ پاداشی که با هیچ چیز قابل قیاس نیست

آقای علوی درباره تقدیرهایی که در طول خدمت دریافت کرده است، می‌گوید: «بنده دو پاداش گرفتم در دوران خدمتم. رئیس عقیدتی سیاسی لشکر ما یک روز با من صحبت کرد و من خواسته‌ام را به او گفتم و ایشان برای من خادمی حرم را درست کرد و حالا بیست و چهار سال است که با افتخار به عنوان دربان در حرم رضوی خدمت می‌کنم. یک روز هم تفنگی دولول شکار به من دادند که ارزش مادی زیادی ندارد اما این پاداش‌ها خستگی را از تن آدم در می‌آورد. سه قسمت در پرونده ما ثبت شده: تا شروع جنگ تحصیلی، جنگ تحصیلی تا قطعنامه، از قطعنامه به بعد. در پرونده من آن فاصله شروع جنگ تحصیلی تا قطعنامه نوشته شش سال و هشت ماه و چند روز؛ دو هزار و پانصد روز. این سختی‌هایی که ما و خانواده‌هایمان کشیدیم با پاداش مادی جبران نمی‌شود. چه شب‌هایی بود که ما می‌گفتیم امشب صبح شود و ببینیم فر داه چه پیش می‌آید، فکر می‌کردیم یک ساعت گذشته اما وقتی به ساعت نگاه می‌کردیم، می‌دیدیم که پنج دقیقه گذشته و شب‌های سختی بود.»



آموزش‌های نجات‌بخش دانشکده افسری

سر تیپ علوی راجع به تنبیه‌ها و آموزش‌هایی که کمک شایانی به رشد آن‌ها کرده می‌گوید: «در مسیر تهران، اگر از جاده به سمت پلور رفته باشید، در آنجا کابل‌هایی بین کوه‌ها کشیده شده است. ما در دانشکده افسری، سال هجدهم، عملیات‌های کهنوردی داشتیم؛ انواع عملیات‌های کهنوردی را انجام می‌دادیم و یکی از آن‌ها هم در زیر پل و رسک بود که جاده جدید فیروز کوه از آنجا عبور می‌کند. وقتی یک دانشجوی تنبیه می‌شد، یکی از تنبیه‌ها حمل مجروح بود. باید یک مجروح را از بالای کوه روی شانه می‌گذاشتیم و به پایین می‌آوردیم. اگر کسی خطایی می‌کرد، مجروح سنگین‌تری روی دوشش می‌گذاشتند. یعنی می‌خواهم بگویم تنبیه هم سازنده بود. وقتی ۴۰ یا ۶۰ کیلو وزن روی دوش من قرار می‌گرفت، به من فشار می‌آمد، مادر نهایت قوی‌تری می‌شدم. در دانشگاه افسری حتی حق راه رفتن عادی نداشتیم و همه‌جا باید با نظم و قاعده سریع حرکت می‌کردیم. آن زمان شاید با خودمان می‌گفتیم: «حالا چه می‌شود اگر کمی راه برویم؟» اما بعداً فهمیدیم این آموزش‌ها چه اهمیتی داشته است. یک روز در اردوگاه، برای پرتاب نارنجک به بالای تپه رفتم. حدود صد نفر آنجا نشسته بودند و هدف را پایین تپه قرار داشت. یکی یکی بلند می‌شدیم، ضامن نارنجک را می‌کشیدیم و آن را پرتاب می‌کردیم و استاده هم به ما نمره می‌داد که نارنجک را تا چه اندازه به هدف نزدیک ده‌ایم. یکی از بچه‌ها وقتی نارنجک را کشید، از دستش افتاد. تا زمانی که نارنجک منفجر شد، از آن صد نفر، دیگر کسی بالای تپه نبود؛ همه به پایین تپه دویده بودند و هیچ کس آنجا نبود که تر کش به او اصابت کند. این همان دویدن بود؛ همان آموزش و همان انضباطی که از قبل در وجود ما شکل گرفته بود.»



آکهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۳۹۰.۰۳.۰۸ مورخ ۱۴۰۵.۰۵.۱۲ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرح‌های شاندیز تصرفات مالکانه و با معارض متقاضی خاتم حنیفه زحمت‌کش به شناسنامه شماره ۷۴۶ کدملی ۸۲۸۰۷۶۱۰۳ صادره مشهد فرزند علی امیرمورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت نرهمشور میبانی و تصرفات متقاضی نسبت به مالکیت شش دانگ یک باب منزل به مساحت ۱۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۳۳۸ فرعی از اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طبقه محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آکهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیرالتنشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آکهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به اداره حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به اداره حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۴۰۵.۰۶.۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۶.۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۶.۳۱
محمد رضا کمیلی پور – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرح قریه

آکهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۳۹۰.۰۳.۰۸ مورخ ۱۴۰۵.۰۵.۰۶ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرح‌های شاندیز تصرفات مالکانه و با معارض متقاضی آقای پیام حسین زاده حریری به شناسنامه شماره ۴۲۲ کدملی ۹۴۳۲۸۸۵۵۱ صادره مشهد فرزند جلیل مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت احمد صراف زاده و تصرفات متقاضی نسبت به مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین مرزویی که در حال حاضر به صورت یک قطعه محصور با کاربری مرزویی میباشد به مساحت ۳۷۸/۲۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۶۴ فرعی از ۱۰ – اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طبقه محرز گردیده است لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آکهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیرالتنشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آکهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به اداره حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به اداره حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۴۰۵.۰۶.۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۶.۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۶.۳۱
محمد رضا کمیلی پور – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرح قریه

آکهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ و برابر رای شماره ۱۳۹۰.۰۳.۰۸ مورخ ۱۴۰۵.۰۵.۰۸ هیات تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی طرح‌های شاندیز تصرفات مالکانه و با معارض متقاضی حمید عباسیان به شناسنامه شماره ۴۵۹۴ کدملی ۹۳۵۰۰۸۴۵۴ صادره مشهد فرزند محمد مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی متقاضی و تصرفات متقاضی نسبت به مالکیت شش دانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ۱۶۸/۶۱ متر مربع قسمتی از پلاک باقی مانده ۲۹۱ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ حوزه ثبت ملک طبقه شاندیز محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آکهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی و کثیرالتنشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آکهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به اداره حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. م الف ۱۴۰۵.۰۶.۱۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵.۰۶.۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵.۰۶.۳۱
محمد رضا کمیلی پور – مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرح قریه